

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

#### خلاصه مباحث گذشته

بحث در موردی است که شخص نیت اقامه دارد اما یا به صورت کلی هیچ نمازی نخوانده است. یا نماز صبح یا مغرب که دو رکعتی و سه رکعتی است خوانده است. یا نماز رباعیه را شروع نموده و دخول در رکعت ثالثه نداشته یا داخل در رکعت سوم نیز شده است. یا نوافل و روزه را شروع نموده است. باید دید آیا این موارد نیز ملحق به جایی می شود که شخص به همراه نیت نماز رباعیه کامل خوانده است می شود یا خیر؟!

#### موضوعیت داشتن عنوان «فريضة تامة»

در روایت ابی ولاد تعبیر «صَلَّيْتَ بِهَا فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ» وارد شده که در آن دو احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** این عنوان موضوعیت نداشته و از باب مثال و یا از باب غالب ذکر شده است؛ چون هر شخصی که قصد اقامه دارد، غالباً یک نماز چهار رکعتی می خواند. طبق این احتمال امکان تعدی به سایر موارد وجود دارد و از این عنوان الغای خصوصیت می کنیم.

به بیان دیگر همان گونه که این شخص با خواندن نماز رباعیه ملتزم به آثار قصد اقامه خود می شود، زمانی که یکی از موارد محل بحث را نیز مرتکب می شود چنین قصد دارد.

**احتمال دوم:** این عنوان موضوعیت داشته و در نتیجه باید به همین مورد یعنی خواندن نماز چهار رکعتی اکتفا نمائیم و وجهی برای تعدی و الغای خصوصیت وجود ندارد.

به نظر ما احتمال دوم اقوی است بخاطر این که اولاً به قرینه سوال و جواب و همچنین قرینه مقابله، مشخص است که خواندن نماز چهار رکعتی موضوعیت دارد.

ثانیاً امام (علیه السلام) مفهوم صدر روایت را در ذیل بیان نموده و می فرمایند: «وَإِنْ كُنْتَ حِينَ دَخَلْتَهَا عَلَى نَيْتِكَ التَّمَامِ فَلَمْ تُصَلِّ فِيهَا صَلَاةً فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ» یعنی اگر نماز فريضة را تام نخوانده ای.

خلاصه این که اگر بگوئیم عنوان فريضة تامة موضوعیت دارد، خواندن نماز دو رکعتی، سه رکعتی و نافله یا گرفتن روزه مفید تحقق قصد اقامه نیست.

اما اگر بگوئیم این عنوان موضوعیت ندارد و ملاک ترتیب اثر بر قصد اقامه است یعنی شخصی که روزه می‌گیرد بر اقامه خود اثر مرتب نموده‌است، می‌توان این عناوین را نیز در تحقق قصد اقامه دخیل دانست.

#### حکم نماز چهار رکعتی بعد از عدول

اگر بگوئیم عنوان موجود در روایت موضوعیت ندارد و موضوع، ترتیب اثر بر اقامه می‌باشد، مجرد این‌که نماز چهار رکعتی را به نیت چهار رکعت شروع کرد ترتیب اثر واقع می‌شود و می‌تواند این نماز را به پایان رسانده و تا زمانی‌که در آن شهر است نیز نمازها را تمام بخواند.

اما اگر بگوئیم عنوان خواندن فریضة تمام موضوعیت دارد، در مورد شخصی که نماز چهار رکعتی را شروع نموده است دو حالت وجود دارد:

**حالت اول:** قبل از رکوع رکعت ثالثة عدول محقق شود: در صورت عدول چون رباعیه را هنوز نخوانده‌است وظیفه او به قصر تغییر پیدا کرده و تنها باید سجده سهو انجام دهد.

**حالت دوم:** بعد از رکوع رکعت ثالثة عدول محقق شود: دو فرض قابل تصور است:

**فرض اول:** چون از ابتدای نماز به نیت امتثال امر مولی و به نیت چهار رکعتی شروع کرده، نماز صحیح بوده‌است. بعد از عدول نیز استصحاب را جاری و می‌گوئیم نماز صحیح است و عدول محقق شده در اثنای نماز، مانند عدول بعد از اتمام نماز است.

**فرض دوم:** نماز باطل می‌شود؛ چون عدول از قصد اقامه بعد از رکوع رکعت ثالثة کشف از این می‌کند که وظیفه اصلی این شخص نماز دو رکعتی بوده‌است و نباید نماز چهار رکعتی را نیت می‌کرد. در حال حاضر نیز که در رکعت ثالثة است باید این نماز را رها نموده و یک نماز دو رکعتی بخواند.

به نظر ما ظاهر همین فرض است و شخص به خیال این‌که نماز چهار رکعتی بر او واجب بوده نیت نماز چهار رکعتی داشته‌است. بعد از دخول در رکوع رکعت ثالثة و عدول از نیت از یک طرف این نماز عنوان قصر ندارد چون در رکعت سوم است. از طرف دیگر دلیلی بر لزوم اتمام این نماز نیز نداریم.

مرحوم علامه (ره) می‌فرماید: دخول در رکوع رکعت ثالثة در تحقق اقامه کافی بوده و در حکم چهار رکعت است؛ چون در غیر این صورت لازم است این شخص نماز را ابطال نماید، در حالی‌که ابطال نماز منهی عنه است.

جواب این است که ابطال عمل صحیح منهی عنه است؛ در حالی‌که عدول از نیت سبب می‌شود خواندن نماز چهار رکعتی برای این شخص صحیح نباشد.<sup>[1]</sup>

برخی در باب روزه گفته‌اند روزه بعد از زوال ملحق به صلاة رباعیه است اما اگر قبل از زوال باشد باطل است. به نظر ما این مطالب هیچ وجهی ندارد؛ در نتیجه اگر روزه حتی تا نزدیک غروب نیز باشد و شخص از نیت خود عدول نماید، روزه‌اش باطل است. برای این‌که از روایت صلیت صلاة فریضة بتمام را استفاده نموده‌ایم.

ادامه بررسی مسئله نهم (شرطیت التفات در نماز چهار رکعتی)

مرحوم امام (ره) در ادامه مسئله نه می‌فرماید: اگر شخصی نماز رباعیه خواند اما نسبت به اقامه غافل بود؛ مثلاً به سفر رفت و در نماز جماعت شرکت کرد و طبق عادت همیشگی نماز را چهار رکعتی به جا آورد، احتیاط در جمع است هر چند قصر تعیین دارد.

شاید دلیل این باشد که مقصود امام (علیه‌السلام) از خواندن فریضة ترتب اثر بر اقامه است که اقامه در آن دخالت دارد پس اگر بدون التفات باشد فایده ندارد.

در مقابل به نظر ما و به تبع مرحوم سید(ره) ، مرحوم حکیم (ره) و مرحوم خوئی (ره) همین مقدار کافی است؛ چون اولاً مفروض بحث وجود قصد اقامه است که در مانحن فیه محقق است. ثانیاً دلیل اطلاق دارد و شامل مورد غفلت نیز می‌شود و خوانده شدن یک نماز چهار رکعتی در خارج معیار می‌باشد.

مرحوم آقای حکیم (ره) می‌فرماید: اگر در این مورد ادعای انصراف شده و بگویند دلیل انصراف به موردی دارد که شخص قصد داشته باشد بر اقامه خود اثر مترتب نماید، در جواب می‌گوئیم این انصراف بدوی است و لذا کافی نیست. ظاهراً حق با ایشان است.

مرحوم آقای خوئی (ره) در بیانی دیگر به اطلاق تمسک نموده و می‌فرماید: اقامه‌ی ارتکازی کافی است؛ به این بیان که شخص پیش از خواندن نماز قصد اقامه داشته‌است و وجود همین مقدار قصد در ارتکاز او و ضمیمه شدن نماز رباعیه کفایت می‌کند.

ادامه بررسی مسئله نهم (خواندن نماز چهار رکعتی به جهت شرافت مکان)

مرحوم امام (ره) در ادامه مسئله نه می‌فرماید: اگر شخص به محلی مانند مکه معظمه رفت و به جهت شرافت آن مکان و بدون توجه به قصد اقامه، نماز را تمام خواند احتیاط در جمع است.

مرحوم سید (ره) می‌فرماید: اگر شخصی در موطنی که شخص مخیر در اتمام و قصر است نماز را به جهت شرافت مکان تمام خواند و توجه به قصد اقامه نداشت همین مقدار در تحقق قصد اقامت او کافی است.

لذا اگر بعداً عدول کرد تا زمانی که در مکه حضور دارد باید نماز را به جهت نیت اقامه تمام بخواند. علت فتوی مانند فرع سابق، اطلاق ادله است که شامل چنین موردی نیز می‌شود.

مرحوم حکیم (ره) بعد از تمسک به اطلاق در این فرع می‌فرماید: شاید در این مورد بگوئیم عمل باید مستند به ترتب آثار اقامه باشد. مگر این که نیت اقامه را معیار قرار داده و همان را کافی بدانیم هر چند اگر نیت هم نباشد چون این مکان از اماکنی است که در آن تمام خواندن هم امکان دارد می‌توانیم بگوئیم نماز او تمام است لذا برای صحت دو سبب وجود دارد.

به نظر ما در این فرع نیز حق با مرحوم سید (ره) است یعنی ظاهراً همین مقدار برای تحقق قصد اقامه کافی است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] «و عن التذكرة و المختلف: الاكتفاء بالدخول في ركوع الثالثة، لأنه يلزم من الرجوع الى القصر ابطال العمل المنهي عنه. و فيه: أن تحريم الإبطال لا ينافي سببية العدول لتبديل الحكم، فيكون انبطلا لا إبطالا.» مستمسك العروة الوثقى، ج8، ص: 126.

